■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ISSN۱۷۳۵-۳۶۳۷
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۲۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۴۹۱۰۵۰۰۰
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۱۴ آبان ۱۳۹۸ | ۷ ربیع‌الاول ۱۴۴۱ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۵۱۸ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 November 5

حدیث روز: مستدرك الوسایل

امام حسن عسکری(ع): تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شرّ جانی، مالی، دینی و... برایت داشته باشد.

پلک احساس: مولانا

رویدای جمله صورت‌ها که صورت‌های نوآمد
علم‌هاتان نگون گردد که آن بسیار می‌آید

امروز در تاریخ:

- تشکیل و آغاز به کار نیروی دریایی ایران (۱۳۱۱ ش)
- درگذشت ابوالقاسم غفاری، نخستین دانشمند ایرانی ناسا
- درگذشت حبیبا... عسگر اولادی، از مبارزان اول نهضت اسلامی (۱۳۹۲ ش)
- درگذشت منصور پورحیدری، بازیکن و پرافتخارترین مربی تاریخ باشگاه استقلال تهران (۱۳۹۵ ش)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۱/۴۸ — غروب آفتاب: ۱۷/۰۶
اذان مغرب: ۱۷/۲۵ — نیمه‌شب شرعی: ۲۳/۰۵
اذان صبح (فردا): ۵/۰۵ — طلوع خورشید (فردا): ۶/۳۱

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اهواز	اصفهان	اردبیل	رشت	زاهدان	زنجان	کرمانشاه
۱۸ / ۸	۳۰ / ۱۲	۱۹ / ۰	۱۶ / ۱-	۲۰ / ۱۱	۱۹ / ۲	۱۷ / ۱	۱۶ / ۵

حکمت ۲۶۰: نهج‌البلاغه

ایمان نقطه‌ای نورانی در قلب پدید آورد که هرچه ایمان رشد کند آن نیز فزونی یابد.

واکنش شریع

عربستان در خاك کشتی

محمدتقی حاجی‌موسی
عضو شورای سردبیری

۱. پول‌های نفتی دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی برای قبایل بیابان‌نشین حجاز آن‌قدر خارج از تصور بود که طی دو دهه، چهره عربستان را به‌طور کامل عوض کرد. اگر از حاجیان سی چهل سال پیش خودمان بپرسید که در سفر به مدینه و مکه با چه چیز رو به رو شده‌اند، احتمالا برایتان از شهرهایی درب و داغان، خاك گرفته، عاری از بهداشت و در یك کلمه، عقب مانده خواهند گفت که حاجیان را مجبور می‌کردند برای غسل وارد آبگیرهای سنتی شوند. ولی رشد قیمت نفت خیلی چیزها را عوض کرد و بادیه‌نشین‌ها به‌سرعت شترها را کنار گذاشتند و سوار خودروهای لوکس آمریکایی شدند. ساختمان‌های خاك گرفته خراب شدند و برج‌ها و پاساژها و آسمانخراش‌ها جای آنها را گرفتند. سبك زندگی جوانان عربستان با سرعت نور تغییر کرد و این وسط چیزهایی حسابی دست و پا گیر بود؛ همان مقررات عجیب و غریبی که خیلی از ما به آن خندیده‌ایم.

۲. عربستان کشور تندروهاست. آنها سلاطین بلامنازع تندروی در سال‌های گذشته بودند. حالا اما چند سالی است حاکمان سعودی گیج شده‌اند. آنها نمی‌توانند بین سبك زندگی غربی که عاشقش هستند و عقاید و مقررات خشك خود تعادل برقرار کنند. البته سال‌هاست آنها عقایدشان را در مدینه و مکه خلاصه و بقیه عربستان را عاری از دین کرده‌اند. خرده اخبار و تصاویری که از ریاض و جده و دمام می‌رسد این گزاره را ثابت می‌کند که عربستان به هیچ کشور اسلامی نیست. انگار که عربستان اروپا شده و مدینه و مکه، واتیکان. اخبار این یکی دو روز اما میخ آخر بر تابوت عقاید افراطی سعودی‌ها بود.

۳. از اوایل دهه ۵۰ میلادی، خانواده مك ماهون به این فکر افتادند که مسابقات ورزشی را برگزار کنند؛ خانواده‌ای اصالتا ایرلندی که علاقه زیادی به کشتی از نوع «کج» و درگیری‌های نمایشی داشتند و البته کار خانوادگی را به هر چیزی ترجیح می‌دادند. همین سلیقه‌ها باعث شد هرچه پول دارند وارد این مسابقات کرده و بالاخره سال ۱۹۸۰، WWE را تاسیس کنند، بزرگ‌ترین شرکت برگزاری مسابقات کشتی نمایشی در سراسر جهان که سال ۲۰۱۸، بیش از ۹۳۰ میلیون دلار درآمد داشته است. حالا درآمد این شرکت از کجا می‌آید؟ از حق پخش تلویزیونی، تبلیغات و البته شرط بندی! و سوال مهم‌تر این‌که WWE چه ربطی به عربستان سعودی دارد؟

۴. سال ۲۰۱۴، توافق‌نامه‌ای بین WWE و دولت سعودی امضا شد مبنی بر برگزاری این مسابقات در عربستان. اتفاقی که از همان ابتدا با اعتراضاتی همراه بود. اما تاکنون شش بار این مسابقات در شهرهای جده و ریاض برگزار شده که از سال ۲۰۱۸، پخش زنده جهانی هم داشته و قرار است چهارمین مسابقه پخش زنده، پنجشنبه این هفته در ریاض برگزار شود. رقابتی که یك اتفاق جدید در آن رخ خواهد داد؛ برای اولین بار، زنان هم در این مسابقات حضور خواهند داشت و چهره‌های معروف کشتی کج دنیا در استادیوم ملك فهد جمع می‌شوند تا به قول یکی از زنان ورزشکار حاضر در این رقابت‌ها «بخشی از تاریخ باشند.»

۵. یك بار دیگر تاریخ چند سال اخیر عربستان را مرور کنید. کشوری که تندروی در آن حتی اجازه نمی‌دهد زنان و مردان در رستوران، کنار هم غذا بخورند حالا به جایی رسیده که مسابقات کشتی کج زنان را برگزار می‌کند. کشوری که پر از تناقضات است و پازلی در هم ریخته که هر چه می‌گذرد حل آن سخت‌تر می‌شود و معلوم نیست تا چند سال آینده چه سرنوشتی خواهد داشت. هر چند بعید نیست با اروپایی ناقص‌الخلقه و جدید مواجه شویم که واتیکان را در خود هضم کرده است.

کافه میرداماد

فریده شجاعی، همسر زنده یاد منصور پورحیدری از خلق و خوی او می‌گوید:

خوش‌شانس بودم که منصور شوهرم بود

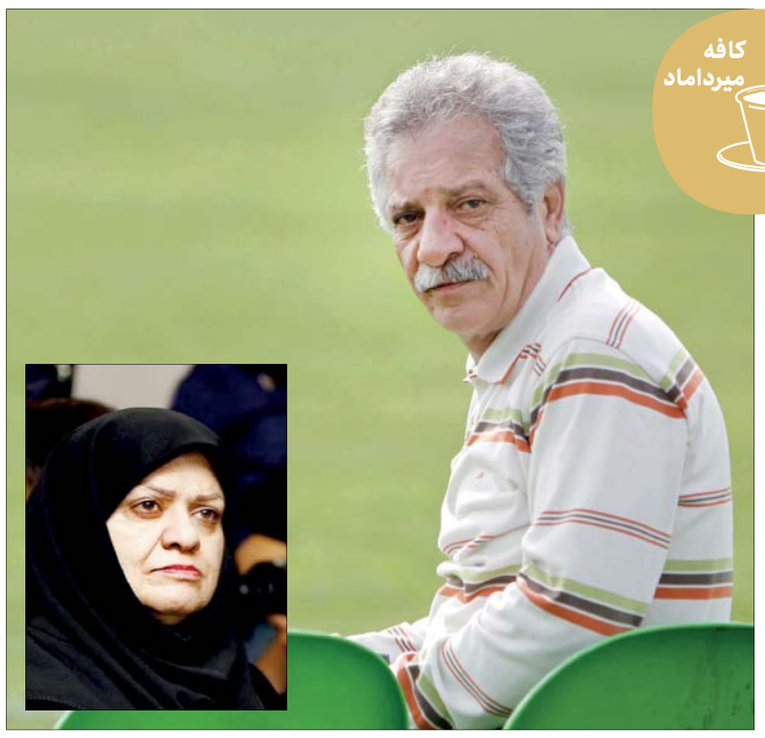

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

سه سال قبل در چنین روزی خبری رسید که جامعه فوتبالی و فوتبال‌دوستان و به‌خصوص طرفداران و هواداران تیم استقلال را در شوکی بزرگ فرو برد. منصورخان پورحیدری که تیم استقلال را به اوج برده بود، در بیمارستان فوت کرد. او که به سرطان مبتلا بود، روز ۱۴ آبان درگذشت.

حالا دکتر فریده شجاعی، همسر زنده‌یاد پورحیدری درباره ۱۴ آبان ۹۵ می‌گوید: خیابان شریعتی پر شده بود از طرفداران فوتبال. فوتبالیست‌های زیادی هم آمده بودند از هر تیمی نه فقط استقلالی‌ها. روز سختی بود و غم ما آنقدر بزرگ بود که هیچ چیزی نمی‌توانست از عظمت این اندوه کم کند اما وقتی با چشم دیدیم که منصورخان چقدر بین مردم عزیز بود و همه به نیکی از او یاد می‌کردند، کمی آرام شدیم. همسرم مرد بزرگی بود و این را نه تنها من که همه آنهایی که او را می‌شناسند، می‌گویند و چه چیزی بهتر از این که بعد از رفتنت نام نیکت بر زبان‌ها باشد و کارنامه کاری‌ات پر از افتخار. آقای پورحیدری زیبا زندگی کرد، آرام بود و بی‌حاشیه. اخلاق برایش اصل بود و با همین روش تا بود برای فوتبال ایران افتخارآفرین بود.

خانم شجاعی می‌گوید: دخترم عسل، اول هفته باید به آمریکا برمی‌گشت برای همین ما روز جمعه به سرمزار آقا منصور رفتیم و مراسمی خانوادگی برایش برگزار کردیم، هزینه مراسم بزرگ‌تر را دادیم به یک خیریه؛ برای همین ما به عنوان خانواده آقای پورحیدری امروز مراسمی نداریم.

یاور همیشه مومن

فریده شجاعی از این که مرحوم منصور پورحیدری همسرش بوده که هم شهرت داشته و هم محبوبیت و هم برای او مانند یک دوست و حامی واقعی بوده، می‌گوید: راستش را بخواهید به باور خودم، من یکی از آدم‌های خوش‌شانس بودم که همسرم، آقا منصور بود. مردی مهربان، آرام و همراه و همدم.

شجاعی درباره آشنایی و ازدواجش با آقای پورحیدری می‌گوید: ۱۲ ساله بودم که آن سال‌ها در باشگاه تاج فوتبال بازی می‌کردم و دوره کوتاهی آقای پورحیدری مربی‌ام بود. بعد من به بسکتبال علاقه‌مند شدم و رشته‌ام را تغییر دادم و مربی بسکتبال دیگر اجازه نداد، فوتبال بازی کنم. اما آن زمان همه ورزشکاران باشگاه استقلال در هر رشته‌ای که بودند از کافه باشگاه استفاده می‌کردند و من گاهی آقای پورحیدری را آنجا می‌دیدم، او با مربی بسکتبال من هم دوست بود، با همه این‌ها ما ارتباط خاصی با هم نداشتیم تا این که من ۱۸ ساله شدم و دیپلم که گرفتم آقای پورحیدری از من خواستگاری کرد و ما با هم ازدواج کردیم.

از او می‌پرسم، تفاوت سنی‌تان چقدر بود؟ و این تفاوت برای شما اهمیتی نداشت؟

می‌گوید: آقا منصور ۱۲ سال از من بزرگ‌تر بود که به نظرم زیاد نیست. آن سال‌ها این تفاوت سنی معقول بود و من اصلا به آن فکر نمی‌کردم. آقای پورحیدری بهترین دوست و رفیق و یاورم بود. بعد از ازدواج هم ورزشم را ادامه دادم هم با داشتن دو فرزند، درسم را تا مقطع دکترا ادامه دادم. با آن همه معاشرت و رفت و آمدی که ما داشتیم و کارهای زیادی که در حوزه ورزش داشتیم اما من در کنار آقا منصور آنقدر احساس امنیت و آرامش می‌کردم که به همه کارهایم می‌رسیدم و مسلما اگر حمایت و رفتار و اخلاق خوب او نبود، من نمی‌توانستم به همه کارهایم در داخل و خارج خانه برسم.

اهل خودنمایی نبود

به شجاعی می‌گویم همه اهالی ورزش از اخلاق خوب آقای پورحیدری می‌گویند و این که او هیچوقت از مردم دوری نمی‌کرد و به اصطلاح خود را تافته جدا بافته نمی‌دانست. شما که همسرش بودید و سال‌ها در کنار ایشان زندگی کردید مرام و مردم‌داری او را چگونه دیدید؟

می‌گوید: بسیار فروتن و خوش‌اخلاق بود. بدون حاشیه فقط به پیشرفت تیم‌هایی فکر می‌کرد که مربیگری آنها را به عهده داشت. نه اهل عکس یادگاری گرفتن بود و نه اهل تبلیغ برای خودش. در همه سال‌هایی که فوتبالیست بود و مربی و سرمربی تعداد محدودی مصاحبه کرد. گاهی حتی مدال‌هایش را به دیگران می‌بخشید از او که می‌پرسیدی چرا این کار را کردی، می‌گفت برای این‌که دل فلانی شاد شود.

به همسر زنده یاد پورحیدری می‌گویم: این روزها مردم از اختلاف طبقاتی زیاد بین عموم مردم و افراد معروف در هر رشته (ورزشی، هنری و...) می‌گویند، شاید به این دلیل که این افراد عکس‌های شخصی و زندگی خصوصی خود را در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌کنند و این خودنمایی، مردم را به نوعی آزار می‌دهد اما انگار این جور رفتارها در آدم‌های هم‌نسل همسر شما وجود نداشت...

شجاعی می‌گوید: الان دوره و زمانه عوض شده. ما نزدیک به ۵۰ سال است که در رشته‌های مختلف ورزشی فعال هستیم، کارنامه آقای پورحیدری که مشخص است. منم که دکترای فیزیولوژی ورزشی دارم و سال‌های زیادی در فدراسیون بسکتبال فعالیت داشته و دارم و ۳۲ سال در دانشگاه آزاد تربیت بدنی تدریس کردم و امسال بازنشسته شدم. دخترم بسکتبالیست است و عضو تیم ملی بسکتبال و گلف. او چند سال قبل کاپ اخلاق دانشجوی ورزشکار را از میلان گرفت و همین باعث شد که آمریکا به او گرین کارت بدهد و او برای تحصیل به آمریکا رفت و به‌زودی درسش تمام می‌شود. اما هر زمان تیم ملی بسکتبال بازی دارد به ایران می‌آید. با همه این‌ها هرگز هیچ کدام از ما هیچ چیزی را به رخ مردم نکشیده‌ایم و هیچ‌وقت خودمان را از دیگران برتر ندیده‌ایم. راستش آنقدر هم پولدار نیستیم که احساس تفاوت زیادی با مردم بکنیم. هنوز هم برخی از طلب‌های آقای پورحیدری پرداخت نشده و ما هم اهل جار و جنجال و حاشیه‌سازی نیستیم. امروزه آدم‌هایی که به‌نام سلبریتی شناخته می‌شوند زندگی خصوصی و شخصی خود را از طریق شبکه‌های اجتماعی به نمایش می‌گذارند، حالا چقدرش درست است و چقدرش نیست را نمی‌دانم اما با این کار موافق نیستم، هر چند هر کسی هر جور دوست دارد زندگی می‌کند اما خودنمایی را نه آقا منصور می‌پسندید و نه ما که اعضای خانواده او هستیم با آن میانه‌ای داریم.

مقطع حساس کنونی

داستان گرگ جوان و روباه پیر و خرگوش خر

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

گرگ جوان گرسنه‌ای که در جست‌وجوی غذا بود، در حاشیه جنگل دوردست خرگوشی را دید که بی‌خبر از همه‌جا مشغول خوردن هویج بود. آرام به او نزدیك شد تا او را شکار کند، اما همین‌که به طرف او یورش برد، خرگوش که در آخرین لحظه متوجه حضور او شده بود، دست‌هایش را بالا برد و گفت: دست نگه دارید. گرگ دست نگه داشت. خرگوش گفت: گرگ عزیز، می‌دانم خیلی گرسنه‌ای، اما به هیکل من نگاه کن، من یك لقمه شما هم نیستم. اگر همچنان دست نگه داری به شما می‌گویم که در این نزدیکی روباه پیر و چاقی لانه دارد که از بس مرغ و خروس خورده و خوابیده فربه شده و گوشت زیادی بر تن آورده و توان فرار نیز ندارد. من می‌توانم لانه وی را به شما نشان دهم و حتی کاری کنم که در لانه‌اش را برای شما باز کند. اگر مورد پسند شما نبود، آن‌وقت شما مرا بخورید.

گرگ پذیرفت و به همراه خرگوش رفت تا به لانه روباه رسیدند. گرگ در گوشه‌ای مخفی شد و خرگوش در خانه روباه را به صدا درآورد. روباه گفت: کی است کی است در می‌زند؟ خرگوش گفت: خرگوش هستم جناب روباه. روباه گفت: فرمایش؟ خرگوش گفت: یکی از بزرگان عرصه فکر و فلسفه و علوم اجتماعی به جنگل آمده است و شوق دیدار شما را دارد. ایشان بنده را واسطه کرده است تا به دیدار شما بشتابم و عرض کنم اگر امروز وقت دارید ایشان را به حضور شما بیاورم. روباه که خودش ختم روزگار بود، از طرز سخن گفتن خرگوش متوجه شد که کاسه‌ای زیر نیم‌کاسه است. پس فکری کرد و گفت: به‌به، قدم شما و ایشان به روی چشم ما. شما ایشان را بیاورید، بنده هم تا شما می‌رسید خانه را یك آب و جارویی بزنم. سپس به‌سرعت در چاهی را که در کف خانه خود کنده بود، برداشت و روی چاه فرش کشید و داد زد: در باز است. بفرمایید و خودش از در پشتی از خانه بیرون رفت. خرگوش و گرگ وارد خانه روباه شدند و هنوز دو قدم برنداشته بودند که با ته، درون چاه افتادند. گرگ که توقع چنین اتفاقی را نداشت به خرگوش گفت: مرا گول زدی و خواست خرگوش را بخورد. خرگوش گفت: دست نگه دارید. اما گرگ دست نگه نداشت و خرگوش را - که واقعاً خوشمزه هم بود - خورد تا همگان بدانند روباه پیر هنوز هم از گرگ جوان چیزتر است.

خواص شگفت‌انگیز هویج

هویج یکی از سبزیجات پرکاربرد است. این نوع سبزی را می‌توان در بسیاری از غذاها و خوراك‌ها استفاده کرد و حتی از آن کیك و شیرینی پخت اما بسیاری از افراد نمی‌دانند این سبزی تا چه‌حد خاصیت دارد.

به گزارش انتخاب، برخی خواص هویج عبارتند از:

کاهش کلسترول: هویج حاوی فیبر محلول و عمدتا از پکتین است که می‌تواند در کاهش کلسترول موثر باشد.

کاهش ابتلا به سرطان: آلفا کاروتن و بیوفلاونوئید موجود در هویج به کاهش خطرات سرطان، به‌ویژه سرطان ریه کمك می‌کند. به جای مکمل‌های بتاکاروتن از هویج استفاده کنید.

کاهش خطر ابتلا به دیابت نوع ۲: هویج حاوی بتاکاروتن و یك آنتی‌اکسیدان قدرتمند است. محققان ژاپنی معتقدند مصرف هویج با کاهش خطر ابتلا به دیابت نوع ۲ مرتبط است.

تقویت سلامت استخوان: هویج همچنین حاوی مقادیری کلسیم است و بسیاری از افراد، به‌ویژه زنان یائسه می‌توانند از مزایای مصرف این خوراکی برخوردار شوند.

نیاگارا، کشتی را آزاد کرد

کشتی گرفتار در آبشار نیاگارا پس از یك قرن سقوط کرد. در سال ۱۹۱۸ این کشتی در میان صخره‌های آبشار نیاگارا گرفتار شد.

به گزارش فرارو، حدود صد سال پیش یك کشتی در آب‌های منتهی به آبشار نیاگارا غرق شد. عملیات امدادرسانی برای نجات دو سرنشین این کشتی موفق بود و سرنشینان آن با عملیات هوایی نجات یافتند.

در طول یك قرن پیش، این کشتی از آبشار نیاگارا آویزان مانده بود اما وزش بادها و بارندگی‌های شدید در روزهای اخیر سبب فروافتادن این کشتی شد.

همان مهمان همیشگی

علی رئوف

بالاخره بعد از چند ساعت کار و بی‌خوابی توانستیم جاده آق‌قلا به گرگان را که براثر سیل مسدود شده بود، باز کنیم. نشستم روی تخته سنگی که با گِل پوشیده شده بود که خستگی در کنم. برایم مهم نبود شلوارم بیشتر از این گلی شود. دیگر سفید و قرمزی نمانده بود. تن هیچ کدام از بچه‌های هلال احمر لباس سفید و قرمز نبود. همه یکدست گِلی بودند. نیروهای مردمی هم همرنگ بچه‌های هلال احمر بودند. در همین احوال بودم که پیرمردی محلی با چکمه‌های پلاستیکی سیاه که دیگر سیاه نبود، سینی چای را سمتم گرفت. گفتم: پدرجان حکایت شما و سیل هم شده حکایت مار گزیده و ریسمان سیاه و سفید! خندید و گفت: نه پسرم! حکایت ما حکایت میزبان و مهمان ناخوانده‌ای است که حبیب خداست. چای بردار!

عکس: مهر

جدال با تمساح برای نجات دوست

یك دختر ۱۱ ساله زیمبابوه‌ای می‌گوید که هفته گذشته با یك تمساح درگیر شده و با درآوردن چشم‌های او موفق به نجات جان دوست ۹ ساله خود شده است. به گزارش ایسنا، ربکا در این باره گفته: همراه دوست کوچك‌تر خود در حال شست‌وشو در کنار رودخانه‌ای بوده که ناگهان فریادهای کمك خواستن دوستش را می‌شنود. این دختربچه می‌گوید در این زمان دوست خود، «لاتویا» را می‌بیند که برای ماندن روی سطح آب تقلا کرده و هر لحظه به سمت پایین کشیده می‌شود. در این لحظه ربکا به سمت لاتویا شنا کرده و متوجه تمساحی می‌شود که به او حمله کرده است. ربکا تصمیم می‌گیرد با سوار شدن بر پشت تمساح سعی کند چشم‌های او را بیرون بیاورد و جان دوست خود را نجات دهد. سرانجام نیز تمساح در برابر حملات او تسلیم شده و لاتویا را رها می‌کند. ربکا سپس لاتویا را به سمت ساحل رودخانه برده و دیگر کودکان حاضر در آنجا به آنها کمك می‌کنند تا به محلی امن برسند. ربکا به خبرنگاران گفته در میان هفت کودك حاضر در محل حادثه از همه بزرگ‌تر بوده و از این رو در برابر نجات جان دوست خود احساس مسؤولیت کرده است.